

وای بر نمازگزاران

معنی سخن خدای متعال در سوره ماعون: قَوْلُ الْمُصَلِّينَ



بخشی از کتاب متشابهات جلد اول سوال ۲۰ نوشته:

سید أحمد الحسن علیه السلام

وصی و رسول الإمام المهدی علیه السلام

۱ ذو الحجه ۱۴۲۴ هـ ق

متن و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً

سؤال / ۲۰: ما معنى قوله تعالى: (فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ) في سورة الماعون؟

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم (أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ * فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ * وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ * فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ * الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ * وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ).

پرسش ۲۰: معنی سخن خدای متعال: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ»؛ (وای بر نمازگزاران) در سوره ماعون چیست؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم (آیا آن را که روز جزا را دروغ می‌شمرد، دیدی؟ * او همان کسی است که یتیم را با اهانت، می‌راند * و مردم را به طعام دادن به بینوا و انمی دارد * پس وای بر نمازگزاران * کسانی که در نماز خود سهل‌انگارند * آنان که ریا می‌کنند * و از دادن زکات، دریغ می‌ورزند).^۱

(أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ): السؤال هنا موجه للمؤمن، وهو استفهام عن شخص تكون نتيجته هي التكذيب بالجزاء والقيامة، أو بالحقيقة التكذيب بوجود الله سبحانه وتعالى. فأصل تكذيب الدين الجديد ومن جاء به - وهو محمد (ص) - هو الكفر بالله وبالأخرة وإن لم يصرح الكفار بهذا. وعلى كل حال فإن هذه النتيجة لم تأتِ بلا مقدمات، بل جاءت من مقدمات واقعية، وهي دفع اليتيم عن حقه، أي الفرد في قومه الذي لا يسبقه سواه بالأخلاق والشرف وطاعة الله ومعرفته الله، وهم الأنبياء والمرسلون (ع) والأئمة (ع)، فهذا الذي يكذب بالجزاء لا يقبل تقدم هؤلاء عليه؛ لأنه مصاب بداء إبليس (أنا خير منه)، فلا يقبل أن يتقدم عليه من هو خير منه. ثم إن من صفاته أكل أموال اليتامى والأرامل والمساكين، وهؤلاء - أي الذين يستحوذون على أموال الفقراء ويتمتعون بها هم ومن اتصل بهم - هم دائماً علماء الدين غير العاملين، المحاربون للأنبياء والمرسلين والأئمة (ع)، فقد حارب علماء بني إسرائيل موسى (ع)، وحارب علماء اليهود عيسى (ع)، وحارب علماء الأحناف واليهود محمداً (ص)، وحارب العلماء الضالون في هذه الأمة الأئمة (ع).

(آیا آن را که روز جزا را دروغ می‌شمرد، دیدی؟): در این جا پرسش خطاب به مؤمن است و استفهام درباره‌ی شخصی است که نتیجه‌ی آن، تکذیب روز جزا و قیامت یا در حقیقت تکذیب وجود خدای سبحان می‌باشد. اصل تکذیب دین جدید و کسی که آن را آورده است - که حضرت محمد(ص) است - کفر به خدا و آخرت می‌باشد، حتی اگر کفار به این موضوع تصریح نکنند. به هر حال این نتیجه بدون مقدمات نمی‌آید بلکه پس از مقدماتی واقعی به وقوع می‌پیوندد؛ یعنی پس از بی‌بهره گذاشتن یتیم از حق خود؛ یعنی کسی که در میان قومش یگانه است به طوری که کسی در اخلاق، شرافت، اطاعت از خداوند

و شناخت خدا، بر او پیشی نمی‌گیرد، و این‌ها انبیا و فرستادگان و ائمه (ع) می‌باشند. این کسی که روز جزا را دروغ می‌شمارد، مقدّم بودن این عده را بر خود نمی‌پذیرد زیرا او به دردِ ابلیس (انا خیرُ منه - من از او برترم) مبتلا است؛ بنابراین قبول نمی‌کند آن کس که از او برتر است بر وی مقدّم باشد. علاوه بر این، از جمله ویژگی‌های او، خوردن اموال یتیم‌ها، بیوه‌زنان و بیچارگان است و این‌ها -یعنی کسانی که بر اموال فقرا چنگ می‌اندازند و خود و افراد مرتبط با آن‌ها از آن بهره می‌برند- همواره علمای دین هستند که به آن عمل نمی‌کنند. این‌ها با انبیا، فرستادگان و ائمه (ع) در چنگ و ستیزند. علمای بنی اسرائیل با موسی (ع) جنگیدند و علمای یهود با عیسی (ع)^۲ و علمای احناف و یهود با حضرت محمد (ص) و علمای گمراه در این امت با ائمه (ع) سر ستیز داشته‌اند.

ولیس كما يُظن أن بعض علماء السنة فقط هم الذين حاربوا الأئمة، بل وعلماء الشيعة أيضاً فقد حارب كبار علماء الشيعة الإمام علي بن موسى الرضا (ع)، وحاولوا دفعه عن حقه، لا لشيء فقط ليستأثروا بأموال الصدقات والرئاسة الدينية الباطلة. ومن هؤلاء العلماء الشيعة ظاهراً الضالين (علي بن حمزة البطائني)، وهو من أصحاب الإمام موسى بن جعفر (ع) ومن كبار علماء الشيعة، ولكن لما استشهاد الإمام موسى بن جعفر (ع) حارب علي بن حمزة البطائني الإمام الرضا (ع)، ولكن تصدى شباب الشيعة لهؤلاء العلماء غير العاملين، وثبتوا المذهب، وبيّنوا باطل هؤلاء الفقهاء الظلمة، ومن هؤلاء الشباب أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي، وهو من خلص أصحاب الإمام الرضا (ع) الممدوحين.

برخلاف تصور، فقط برخی علمای سنی نبودند که با ائمه چنگ کردند بلکه علمای شیعه نیز چنین بوده‌اند. بزرگان علمای شیعه با امام علی بن موسی الرضا (ع) به نبرد برخاستند و کوشیدند آن حضرت را از حقش بازدارند. هدف آن‌ها نیز صرفاً این بود که بر اموال صدقات چیره شوند و ریاست دینی را به باطل در اختیار گیرند. «علی بن حمزه ی بطائنی» از جمله‌ی این علمای به ظاهر شیعه‌ی گمراه است. او از اصحاب امام موسی بن جعفر (ع) و از بزرگان علمای شیعه می‌باشد، ولی پس از شهادت امام موسی بن جعفر (ع)، علی بن حمزه ی بطائنی با امام رضا (ع) به مخالفت و نبرد برخاست. ولی جوانان شیعه، متصدی مبارزه با

^۲ - از کلام عیسی (ع): «برای دنیا کار می‌کنید درحالی‌که شما در آن بدون عمل روزی می‌خورید؟ برای آخرت عملی انجام نمی‌دهید درحالی‌که شما در آخرت روزی نمی‌خورید مگر با عمل! و شما ای علمای بی‌عمل! مزد را می‌گیرید و عمل را ضایع می‌کنید؟ نزدیک است صاحب عمل، عملش را مطالبه کند و نزدیک است شما از دنیای فراخ به ظلمت قبر تاریک خارج شوید. خداوند متعال شما را از گناهان نهی فرموده همان‌طور که به روزه و نماز امر فرموده است. چگونه می‌شود که اهل علم روزی‌اش را تباه و جایگاهش را حقیر نماید؟ درحالی‌که می‌داند این از علم خدا و قدرت او است. چگونه اهل علم خداوند را در آنچه قضایش می‌باشد، متهم می‌کند و از چیزی که به او رسیده، راضی نباشد؟ چگونه اهل علم می‌تواند آن‌چه از دنیایش نزدش است را بر آخرتش برگزیند درحالی‌که او رو به دنیا است و آن‌چه به او زیان می‌رساند برای او از آن‌چه به او نفع می‌رساند دوست‌داشتنی‌تر باشد؟ چگونه اهل علم می‌تواند کلام را طلب کند تا از آن آگاه گرد درحالی‌که خواهان عمل به آن نباشد؟». منیة المرید شهید ثانی: ص ۱۴۱.

این علمای بی‌عامل شدند، مذهب را استوار ساختند و بطلان این فقهای ستمگر را روشن نمودند. احمد بن محمد بن ابی نصر بیزنطی از جمله‌ی این جوانان است. وی از اصحاب مخلص و مورد ستایش امام رضا (ع) می‌باشد.

والتَّيْجَةُ علماءُ السَّوءِ غَيْرُ الْعَامِلِينَ وَالطَّوَاغِيتِ وَأَعْوَانِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ هُمُ الَّذِينَ يَدْفَعُونَ الْيَتَامَى عَنْ مَقَامَاتِهِمْ، وَلَا يَحْضُونَ عَلَى إِعْطَاءِ الْمَسَاكِينِ حَقَّهُمْ. وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينُ: هُمُ الْأَنْبِيَاءُ وَالْمُرْسَلُونَ وَالْأُئِمَّةُ (ع)؛ لَأَنَّهُمْ خَاضِعُونَ مُتَذَلِّلُونَ لِلَّهِ غَيْرُ مُتَكَبِّرِينَ، أَيُّ مَسَاكِينٍ فَلَا يَدَانِيهِمْ أَحَدٌ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فَرْدٌ فِي قَوْمِهِ أَيْ يَتِيمٌ.

نتیجه این که علمای سوء بی‌عمل و طاغوتیان و اعوان و اتباع آنها، کسانی هستند که ایتام را از مقامات‌شان باز می‌دارند و برای اعطای حق مساکین به آنها هیچ تلاشی نمی‌کنند. ایتام و مساکین: انبیا، فرستادگان و ائمه (ع) هستند؛^۳ چرا که این عده برای خدا خاضع و فروتن هستند و تکبر نمی‌ورزند؛ یعنی مساکینی هستند که کسی به آنها نمی‌رسد، و هریک از آنها در قومش تک و تنها است؛ یعنی یتیم می‌باشد.

(فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ): أَيُّ فَوَيْلٍ لِلْمُنْتَظَرِينَ، فَكُلُّ مَرْسَلٍ مِنَ اللَّهِ مُبَشِّرٌ بِهِ مِمَّنْ سَبَقَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأُئِمَّةِ (ع) يَوْجِدُ جَمَاعَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِهْ يَنْتَظِرُونَهُ، وَلَكِنْ مَعَ الْأَسْفِ دَائِمًا كَانَ هُنَاكَ فَشَلٌ كَثِيرٌ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُنْتَظَرِينَ فِي نَهَايَةِ الْمَطَافِ. فَقَدْ فَشَلُ عُلَمَاءُ الْيَهُودِ فِي انْتِظَارِ عِيسَى (ع)، حَيْثُ لَمَّا أَتَاهُمْ كَذَبُوهُ، مَعَ أَنَّهُمْ كَانُوا يَنْتَظِرُونَهُ. وَفَشَلُ عُلَمَاءِ الْيَهُودِ وَالْأَحْنَفِ فِي انْتِظَارِ مُحَمَّدٍ (ص)، حَيْثُ إِنَّ الْيَهُودَ أَسَّسُوا مَدِينَةَ يَثْرِبَ لِاسْتِقْبَالِ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ (ص) عِنْدَ قِيَامِهِ، فَلَمَّا قَامَ فِي مَكَّةَ وَهَاجَرَ إِلَى يَثْرِبَ كَذَّبَهُ كَثِيرٌ مِنْهُمْ، وَلَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ. وَهَذِهِ سَنَةٌ مُتَّبِعَةٌ، وَهِيَ الْيَوْمَ تَكَرَّرَ مَعَ الْقَائِمِ (ع)، حَيْثُ إِنَّ عُلَمَاءَ الشَّيْعَةِ يَنْتَظِرُونَهُ وَلَكِنْهُمْ الْيَوْمَ يَحَارِبُونَهُ. وَهَذِهِ هِيَ مَفَارِقَةٌ كَمَفَارِقَةِ لَفْظِي (الْوَيْلُ) وَ (الصَّلَاةُ) فِي الْآيَةِ، فَكَيْفَ يَكُونُ الْوَيْلُ لِلْمُصَلِّينَ؟! نَعَمْ، إِنَّ الْوَيْلَ لَهُمْ؛ لَأَنَّهُمْ يُصَلُّونَ إِلَى عَكْسِ الْقِبْلَةِ، فَهُمْ يَرِيدُونَ أَنْ يَأْتِيَهُمُ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ (ع) وَفَقِ أَهْوَائِهِمْ وَتَخَرُّصَاتِهِمْ الْعَقْلِيَّةُ، يَرِيدُونَ الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ (ع) يَأْتِي لَهُمْ وَيَسْتَأْذِنُهُمْ فِي إِرْسَالِ مَنْ يَرْسِلُهُ إِلَى النَّاسِ، وَيُعْطِيهِمْ خُطَّةَ عَمَلِهِ (ع) لِيَبْدُوا تَحْفَظَاتِهِمْ عَلَيْهَا، فَهُمْ أُئِمَّةُ الْكِتَابِ لَا أَنْ الْكِتَابِ إِمَامُهُمْ!!!

(پس وای بر نمازگزاران): یعنی وای بر منتظرین. برای هر فرستاده‌ای از جانب خدا - که از طرف انبیا، فرستادگان و ائمه‌ی (ع) پیش از او، بشارت او داده شده است - گروهی از مؤمنین هستند که منتظر او

۳ - از عبایه بن ربیع از ابن عباس نقل شده است: (أَلَمْ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَآوَى) (آیا تو را یتیم نیافت، پس پناحت داد؟). گفت: «فقط به این دلیل یتیم نامیده می‌شود که هیچ نظیر و همانندی روی این زمین از ابتدا تا انتها ندارد. پس خداوند عزوجل درحالی که نعمت‌هایش را به او یادآور می‌کند می‌فرماید: (أَلَمْ يَجِدَكَ يَتِيمًا) یعنی تنهایی که هیچ نظیری نداری....». بحار الانوار: ج ۶۱ ص ۱۴۱. علی بن ابراهیم قمی ره می‌گوید: سپس می‌فرماید: (أَلَمْ يَجِدَكَ يَتِيمًا فَآوَى). «یتیم کسی است که مثل و همانندی ندارد و از همین رو مروارید، یتیمه نامیده می‌شود چرا که همانندی ندارد». بحار الانوار: ج ۶۱ ص ۱۴۲.

می‌باشند؛ ولی با تأسف همواره سرانجام کار، بسیاری از این منتظرین شکست می‌خورند و کوتاهی می‌ورزند. علمای یهود که در انتظار عیسی (ع) بودند شکست خوردند؛ هرچند که منتظر آن حضرت بودند، هنگامی که به سراغ شان آمد او را تکذیب کردند. علمای یهود و احناف نیز در انتظار برای محمد(ص) شکست خوردند، درحالی که یهودیان، شهر یثرب را برای استقبال از حضرت محمد (ص) به هنگام قیام او بنا کرده بودند، ولی هنگامی که آن حضرت در مکه قیام کرد و به یثرب مهاجرت نمود، بسیاری از آن‌ها او را تکذیب کردند و به آن حضرت ایمان نیاوردند.^۴ این سنتی است ادامه‌دار، و امروز نیز با قائم (ع) تکرار شده است؛ زیرا هرچند علمای شیعه در انتظار اویند ولی امروز با او می‌جنگند، و این تضادی همچون تضاد دو واژه‌ی «الویل» و «الصلاة» در این آیه می‌باشد. چطور ممکن است خطاب «ویل» برای نمازگزاران باشد؟! آری، «ویل» از برای آن‌ها است؛ چرا که آن‌ها برخلاف جهت قبله نماز می‌خوانند. آن‌ها می‌خواهند امام مهدی (ع) آن‌گونه که موافق هوا و هوسشان و استنتاجات عقلیشان است به نزدشان بیاید و برای ارسال فردی از طرف خودش به سوی مردم، از ایشان کسب اجازه کند و نیز نقشه و روش خود را در اختیارشان قرار دهد تا ملاحظات خود را بر آن بیان دارند؛ پس این‌ها امامان کتاب هستند نه این که کتاب امام آن‌ها باشد!!^۵

(الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ): الَّذِينَ هُمْ سَاهُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، الَّذِينَ هُمْ سَاهُونَ عَنِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ (ع)، فَالْعَمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ (ع) خَيْرُ صَلَاةٍ يُؤَدِّيهِهَا الْمُؤْمِنُ، وَهُؤُلَاءِ الْمُنْتَظَرُونَ الْفَاشِلُونَ الَّذِينَ كَانُوا عَاقِبَةً أَمْرَهُمْ خَسْرًا، لَمَّا تَرَكُوا الْعَمَلَ بَيْنَ يَدَيْهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ (ع) وَكَذَبُوا وَصِيَّهُ وَرَسُولَهُ. وَهَذَا هُوَ الزَّمَانُ الَّذِي فِيهِ النَّاسُ (سَكَارَى حَيَارَى، لَا هُمْ مُسْلِمُونَ وَلَا هُمْ نَصَارَى)، فَتَجِدُهُ مَعْمَمًا وَيَلْبَسُ زِيًّا دِينِيًّا شِيعِيًّا أَوْ سُنِّيًّا، وَسَاعَةً يَسْتَقْبِلُ (.....) الَّذِي لَا هُمْ لَهُ وَلَا لِبَلَادِهِ إِلَّا الْقَضَاءُ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَسَاعَةً يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُحَمَّدُ (ص)، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (ع)، وَتَجِدُهُ سَاعَةً دَاعِيَةً لِلدِّيمُقْرَاطِيَّةِ الْأَمْرِيكِيَّةِ وَالْإِنْتِخَابَاتِ، فَيَكُونُ بِذَلِكَ نَصْرَانِيًّا غَرْبِي الْهَوَى؛ لِأَنَّ الْإِسْلَامَ وَدُسْتُورَهُ الْقُرْآنَ يَرْفُضُ أَيَّ إِنْتِخَابَاتٍ، وَلَا نَعْرِفُ مِنَ الرُّسُولِ وَالْأُئِمَّةِ (ع) وَالْقُرْآنِ الَّذِي بَيْنَ أَيْدِينَا وَنَتَصَفَّحُهُ إِلَّا التَّعْيِينَ مِنَ اللَّهِ أَوْ مِنَ الْمَعْصُومِ (ع)

۴ - از اسحاق بن عمار روایت شده است: از ابو عبدالله (ع) در مورد این سخن خداوند تبارک و تعالی پرسیدم: (و با آن که پیش از آن خواستار پیروزی بر کافران بودند، هنگامی که به سویشان آمد او را نشناختند، به او ایمان نیاوردند). فرمود: «در دوره‌ی بین حضرت محمد و حضرت عیسی (ع) قومی بودند و بت پرستان را به حضرت محمد(ص) وعده می‌دادند و می‌گفتند: پیامبر، شما را بیرون خواهد راند و بت‌هایتان را خواهد شکست و با شما چنین خواهد نمود. اما هنگامی که رسول خدا(ص) خروج کرد، به او کافر شدند». کافی: ج ۸ ص ۳۱۰.

۵ - همان‌طور که توصیف آن‌ها در کلام امیرالمؤمنین (ع) آمده است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «... در آن روز قرآن و پیروان مکتبش هر دو از میان مردم رانده و تبعید می‌شوند و هر دو همگام و مصاحب یکدیگر و در یک جاده گام می‌نهند و کسی پناهشان نمی‌دهد. قرآن و اهلیش در آن روز بین مردمند اما میان آن‌ها نیستند، با آن‌ها نیستند؛ چه این که گمراهی با هدایت هماهنگ نشود گرچه کنار یکدیگر قرار گیرند. مردم در آن روز بر تفرقه و پراکندگی اتحاد کرده و در اتحاد و یگانگی پراکندگی دارند. گویا این مردم پیشوایان قرآنند و قرآن پیشوای آنان نیست. در این هنگام جز نامی از قرآن نزدشان باقی نماند و جز خطوط آن چیزی نشناسند...». کافی: ج ۸ ص ۳۸۸ ح ۵۸۶.

الذي هو أيضاً من الله، بل إن جميع الأديان الإلهية مطبقة على ذلك، إلا من اتبع هواه. فهؤلاء بنو إسرائيل في قصة طالوت في سورة البقرة، لا يُعَيَّنون هم الملك، بل يطلبون من نبي لهم أن يطلب من الله أن يعين لهم ملكاً، قال تعالى: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)، وقال تعالى: (قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ). فالملك ملك الله، لا ملك الناس، فالذي يُعَيَّن هو الله.

(آن‌ها که در نماز خود سهل‌انگارند): کسانی که در دنیا سهل‌انگارند و در پی آن‌ که می‌زنند. کسانی که نسبت به امام مهدی(ع) سهل‌انگاری می‌کنند. عمل در پیشگاه آن حضرت(ع) بهترین نمازی است که یک مؤمن به پا می‌دارد و فرجام کار این منتظران ناکام، خسارت و زیان‌باری است؛ چرا که عمل در پیشگاه امام مهدی(ع) را رها کرده و وصی و فرستاده‌ی او را تکذیب نموده‌اند.^۶ اکنون همان زمانی است که مردم در آن «در حیرت و مستی‌اند، نه مسلمانند و نه نصرانی»^۸ او را عمامه به سری می‌بینی که کسوت دینی شیعه یا سنی به تن کرده است و یک‌بار به استقبال «.....» می‌رود که هیچ هم و غمی برای خودش یا سرزمینش ندارد جز به زمین زدن اسلام؛ و یک‌بار می‌گوید سلام بر تو ای پیامبر خدا حضرت محمد(ص)، سلام بر تو ای ابا عبدالله الحسین(ع)؛ و زمانی ملاحظه می‌کنی که هوادار دموکراسی آمریکایی و انتخابات شده و با این کار یک نصرانی غرب‌زده گشته است؛ چرا که اسلام و قانون آن یعنی قرآن هر نوع انتخاباتی را رد می‌کند، و ما از پیامبر(ص) و ائمه(ع) و قرآنی که پیش روی‌مان است و در آن می‌نگریم، چیزی سراغ نداریم جز تعیین (و تنصیب) از سوی خدا یا معصوم(ع) که این هم از جانب خداوند می‌باشد. حتی تمام ادیان الهی به همین صورت عمل می‌کنند، مگر کسی که از هوا و هوس خود پیروی کند. در داستان طالوت در سوره‌ی بقره، این بنی اسرائیل نبودند که پادشاه را انتخاب کردند بلکه از پیامبرشان درخواست نمودند که از خدا بخواهد برای آن‌ها پادشاهی تعیین نماید. خداوند متعال

^۶ - داوود بن کنیر می‌گوید: به ابو عبدالله(ع) عرض کردم: آیا شما نماز ذکر شده در کتاب خداوند عزوجل هستید؟ و آیا شما زکات و حج می‌باشید؟ فرمود: «ای داوود! ما نماز ذکر شده در کتاب خداوند عزوجل هستیم. ما زکات، روزه، حج، ماه حرام، سرزمین حرام، کعبه‌ی خداوند، قبله‌ی خداوند و وجه خداوند هستیم. خداوند متعال می‌فرماید: (فَأَيُّنَا تَأْتُوا فَنُكَلِّمُ وَجْهَ اللَّهِ) (پس به هر جای که رو کنید، همان جا رو به خدا است). ما آیات هستیم و ما بینات هستیم.....». بحار الانوار: ج ۲۴ ص ۳۰۳.

^۷ - یمانی موعود سید احمد الحسن(ع) کسی است که رسول خدا(ص) در وصیت مقدسش با اسم و خصوصیتش به او تصریح فرموده است و ده‌ها روایت دیگر از ائمه‌ی اهل‌بیت(ع) که او را با اسمش، صفتش، علمش، محل سکونتش، پرچمش و تمام چیزهای دیگر مربوط به او توصیف نموده‌اند تا آن‌جا که امرش از خورشید میان آسمان واضح‌تر گشته است؛ همان‌طور که آن‌ها(ع) بیان فرموده‌اند.

^۸ - از پیامبر(ص) روایت شده است که فرمود: «زمانی بر مردم فرا خواهد رسید که شنیدن نام اشخاص بهتر از ملاقات با آنان است! و اگر با آنان ملاقات کردی بهتر از آزمودنشان است! پس اگر آنان را آزمودی این خصلت‌ها برای تو آشکار می‌گردد: «دینشان پولشان است و همه‌ی سعی و تلاش آن‌ها برای شکم‌شان و قبله‌ی آنان زانانشان هستند! برای لقمه‌ای نان به رکوع می‌روند! و برای پول به سجده می‌افتند! حیرت‌زده و مست هستند، نه مسلمانند و نه مسیحی!». بحار الانوار: ج ۱۷ ص ۱۶۶.

می‌فرماید: (آیا آن گروه از بنی اسرائیل را پس از موسی ندیدی که به یکی از پیامبران خود گفتند: برای ما پادشاهی نصب کن تا در راه خدا بجنگیم).^۹ و همچنین: (بگو: بار خدایا! تویی دارنده‌ی مُلک. به هر که بخواهی مُلک می‌دهی و از هر که بخواهی مُلک را می‌ستانی).^{۱۰} بنابراین ملک و سلطنت، ملک خدا است، نه ملک مردم، و کسی که تعیین کننده‌ی آن است، خداوند می‌باشد.

ومع الأسف كثير من الجهلة الحمقى يُطَبِّلون ويُزَمِّرون لهؤلاء العلماء غير العاملين (النصارى) بل إنَّ الحق أن يسميهم الناس: (العلماء الأمريكان)، ويقولون إنهم علماء أصمَّتْهم الحكمة ويا ليتهم ظلوا صامتين، بل صمتوا دهرًا ونطقوا كفرًا. فالنتيجة التي وصل إليها السيستاني وأشباهه هي أن: (الدستور يضعه الناس، والحاكم يُعيِّنه الناس، وأمرهم شوري بينهم، ومحمد وعلي صلوات الله عليهم برأي هؤلاء الجهلة مخطئان، وقضي الأمر الذي فيه تستفتيان، والحكم برأي السيستاني للشيطان) !!! وهؤلاء حتمًا مراوون وعملهم كله رياء، فبكاؤهم على الحسين (ع) رياء، وصلاتهم رياء، هدفهم منها الاستحواذ على قلوب الناس والمناصب الدنيوية العفنة كالرئاسة الدينية (الَّذِينَ هُمْ يُرَاوُونَ).

متأسفانه بسیاری از نادان‌ها و احمق‌ها بر طبل این علمای بی‌عمل (نصرانی) می‌کوبند و بر شیپور آن‌ها می‌دمند، بلکه حق آن است که مردم آن‌ها را «علمای آمریکایی»^{۱۱} بنامند. می‌گویند این‌ها علمایی هستند که حکمت به سکوتشان کشانده است و ای کاش ساکت می‌ماندند، ولی عمری را ساکت شدند و (در نهایت) زبان به کفر گشودند. نتیجه‌ای که سیستانی و نظایر او به آن رسیده‌اند این است که: «مردم قانون را وضع می‌کنند و مردم حاکم را تعیین می‌نمایند، و کارشان بر پایه‌ی مشورت با هم است و از دید این انسان‌های جاهل، محمد و علی که سلام و درود خداوند بر آنها باد خطا کرده‌اند، راجع به امری که درباره آن از من نظر خواستید چنین حکم شده، و حکم به نظر سیستانی برای شیطان است». این‌ها قطعاً ریاکارند و کار آن‌ها تماماً ریا می‌باشد. گریه‌شان بر حسین (ع) ریا است، نمازشان ریا است و هدف آن‌ها سیطره یافتن بر دل‌های مردمان و مناصب متعفن دنیوی مانند ریاست دینی است (آنان که ریا می‌کنند).^{۱۲}

(وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ): وهؤلاء هم العلماء غير العاملين، الذين فشلوا في انتظار الإمام المهدي (ع)، فهم لا يكتفون بتكذيبهم للإمام المهدي (ع) ووصيه ورسوله، بل ويمنعون الناس من الجهاد بين يديه، وقتال

^۹ - بقره: ۲۴۶.

^{۱۰} - آل عمران: ۲۶.

^{۱۱} - چرا که قرآن کریم می‌فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصارا را به دوستی برگزینید، آنان خود دوستان یکدیگرند. هر کس از شما که ایشان را به دوستی گزیند در زمره‌ی آن‌ها است و خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند). این‌ها یهود و نصارا را پیروی نمی‌کنند بلکه پیرو دموکراسی آمریکایی هستند؛ پس منطبق بر تعبیر قرآن کریم می‌باشند.

^{۱۲} - همان‌طور که پیامبر خدا عیسی (ع) آن‌ها را مخاطب قرار می‌دهد: «وای بر شما ای کاتبان و ای فریسیان! شما مایحتاج خانه‌های بیوه‌زنان را می‌خورید و به ریا طول نمازتان را نشان می‌دهید. شدیدترین عقاب‌ها به شما خواهد رسید».

الكفار الذين قاموا بغزو الدول الإسلامية، فهؤلاء العلماء الجبناء الخونة كما وصفهم الله سبحانه في حديث المعراج للرسول (ص) لا يكتفون بأنهم خذلوا الإمام المهدي (ع) بل يمنعون الناس عن نصرته وإعانتة، فلعنة الله على الظالمين الذين يمنعون الماعون.

(و از دادن زکات دریغ می‌ورزند): این‌ها همان عالمان بی‌عمل هستند؛ کسانی که در انتظار کشیدن امام مهدی (ع) شکست خوردند. آن‌ها نه تنها به تکذیب امام مهدی (ع) و وصی و فرستاده‌ی او بسنده نمی‌کنند بلکه مردم را از جهاد در پیشگاه او و از جنگ با کفّاری که دولت‌های اسلامی را مورد هجوم قرار داده‌اند منع می‌کنند. این علمای ترسو و خائن همان‌طور که خداوند در حدیث معراج برای پیامبر (ص) توصیف‌شان نموده است^{۱۳} - فقط به این که امام مهدی (ع) را تنها گذاشتند بسنده نمی‌کنند بلکه مردم را از نصرت و یاری دادن او باز می‌دارند؛^{۱۴} پس لعنت خدا بر ستمگرانی که از دادن زکات دریغ می‌ورزند.

بقية آل محمد (ع)

الركن الشديد أحمد الحسن

وصي ورسول الإمام المهدي (ع) إلى الناس أجمعين

المؤيد بجبرائيل المسدد بميكائيل المنصور بإسرافيل

ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم

النجف الأشرف

١ ذو الحجة ١٤٢٤ هـ . ق

^{۱۳} - در حدیث طولانی معراج از رسول خدا نقل شده: «... گفتیم: خداوند، این امر کی خواهد بود - یعنی قیام قائم (ع) - پس خداوند عزوجل به من وحی فرمود: هنگامی که علم برداشته شود و جهل آشکار گردد، قاریان بسیار و عمل کنندگان اندک گردند، خون‌ریزی‌ها بسیار گردد، فقهای هدایت‌کننده اندک شوند و فقهای گمراه خائن بسیار...». بحار الانوار: ج ۵۱ ص ۷۰.

^{۱۴} - این همان توصیفی است که پیامبر خدا حضرت عیسی (ع) با آن علمای یهودی که خود را بین مردم و حجت قرار می‌دادند و می‌گفتند که آن‌ها علمای دین هستند و مسیح را هنگام بعثت می‌شناسند، مورد خطاب قرار می‌دهد. می‌فرماید: «مَثَلُ علمای بی‌عمل مانند صخره‌ای است که بر دهانه‌ی رودی افتاده است؛ خودش آبی نمی‌نوشد و آب را نیز رها نمی‌کند تا به کشت‌زارها برسد». علم و حکمت در کتاب و سنت محمد ریشه‌ری: ص ۴۴۶.

تهیه و تنظیم:



صادق شکاری

ربیع الأول ۱۴۴۲ هـ

<https://ansaralmahdi.org>

<https://sadeghshekari.com>

<https://t.me/Sadeghansary>

<http://sadeghshekari.blog.ir>

جهت آشنایی با دعوت سید احمد الحسن علیه السلام به تارنمای رسمی مراجعه نمایید:

<https://almahdyoon.co>

مطالب مرتبط :

[دانلود بیانیه‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود خطبه‌ها و سخنرانی‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود کتاب‌های سید احمد الحسن \(ع\)](#)

[دانلود کتاب متشابهات](#)